

گفت‌وگوی «جوان» با مدیر شبکه ایران زنان و شورای همکاری‌های زنان

چشم‌انداز دولت و مجلس در حوزه زنان

اسناد غربی بودند نه ملی



حوزه زنان و خانواده قوانین و اسناد بالادستی متعددی دارد؛ قوانینی که در حوزه‌های مختلف با پیش‌بینی شرایط و در نظر گرفتن مطالبات و چالش‌های این حوزه در صورت اجرایی‌شدن می‌توانست لاقابل‌بخشی از مشکلات این‌قشر را مرتفع‌کند. اجرای قوانین و اسناد بالادستی از وظایف دولت‌ها و قوه مجریه است اما نظارت بر اجرای قوانین، احصای خلأها و کاستی‌های موجود و تقنین قوانین تازه برای مواجهه و بر کردن این خلأها از وظایفی است که مجلس بر عهده دارد. مجلس دهم با ۱۷نماینده بیشترین تعداد نماینده زن را در طول تاریخ مجالس بعد از انقلاب به‌خانه ملت فرستاد اما تعداد بیشتر نمایندگان زن در بهارستان به معنای اجرایی بهتر قوانین حوزه زنان و خانواده و برطرف کردن چالش‌های این حوزه نبود. بسیاری از کارشناسان کارنامه عملکرد مجلس دهم را در حوزه تقنین و نظارت بر اجرای قوانین حوزه زنان و خانواده کارنامه موفقی ارزیابی نمی‌کنند. سراغ تراز ولی‌مراد مدیر شبکه ایران زنان و شورای همکاری‌های زنان رفتیم تا در گفت‌وگو با وی کارنامه عملکرد مجلس دهم را در حوزه زنان و خانواده مورد واکاوی قرار دهیم و ببینیم نقاط قوت و ضعف عملکرد خانه ملت در حوزه زنان چه چیزهایی بوده است و دلایل موفقیت‌ها و شکست‌های مجلس را در حوزه زنان و خانواده از زبان این کارشناس بشنویم.

■ ■ ■

با توجه به اینکه روزهای پایانی مجلس دهم را در پیش داریم اما بسیاری از مطالبات اصلی و قوانین قبلی حوزه زنان و خانواده بر زمین مانده است. این مسئله به معنای مسکوت ماندن حوزه زنان و خانواده نیست بلکه ما با جریان‌سازی‌هایی در این حوزه مواجه بوده‌ایم؛ جریان‌هایی از برخی مطالبات که در مواجهه میدانی با زنان جامعه به روشنی می‌توان در یافت مطالبات مطرح شده از سوی برخی از جمله دولت و نمایندگان زن مجلس با واقعیت جامعه زنان فاصله معنا‌داری دارد. از نگاه شما چرا طرح‌ها و لوایح دولت و مجلس در حوزه زنان و خانواده این‌همه با مطالبات واقعی و چالش‌های جامعه زنان فاصله دارد؟

اشکال اصلی در حوزه زنان و خانواده به دولت‌ها و جریان‌های سیاسی بازمی‌گردد و سایه این ماجرا روی مجلس هم است.

چطور؟

این جریان‌های سیاسی به دنبال بهره‌برداری سیاسی از حوزه زنان هستند و به فکر مطالبات واقعی زنان و خانواده‌ها و رفع مشکلات آنها نیستند، یعنی مطالبات زنان و خانواده‌ها را پیگیری نمی‌کنند، بلکه هدفشان از طرح مباحث زنان توان افزایش جریان سیاسی خودشان است؛ به این معنا که مسائلی زنان را مطرح می‌کنند تا جامعه تصور کند روی مطالبات زنان کار می‌شود، اما در عمل این موضوعات تنها برای این مطرح می‌شود تا از آن بهره‌برداری سیاسی شود و از این رهگذر آرای مردم جمع شود. وقتی دولت چنین مسیری را در پیش گرفته است و راهبرد دولت در حوزه زنان چنین چیزی است وقتی دولت و مجلس از یک حزب یا جریان سیاسی هستند، موضوع زنان در مجلس هم همین مسیر را طی می‌کند.

اشکال دیگر که در دولت‌ها هست و در مجلس هم سایه می‌اندازد این است که در حوزه زنان و خانواده دولت و به خصوص کسانی که مطالبات زنان را مطرح می‌کنند، هدف و چشم‌اندازشان را مشخص نمی‌کنند.

چرا نباید هدف و استراتژی خود را مشخص کنند؟

خط مشی افراد و جریان‌های سیاسی در موضوعات مختلف برآمده از افق دید، چشم‌انداز، مأموریت و هدف تعیین و راهبردها بر این اساس تعیین می‌شود و اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت تا به یک برنامه و در نهایت به پروژه تبدیل شود یک مسیر مدیریت استراتژیک است. دولت‌ها این مسیر را به خصوص در حوزه زنان و خانواده مشخص نمی‌کنند. چرا؟ چون آن چیزی را که آنها دنبال می‌کنند و انجام می‌دهند با پیروی از استراتژی‌های غربی است،

در حالی که باید در افق دید و چشم‌انداز و اهداف ما بر اساس اسناد بالادستی خودمان حرکت کنیم، ما قانون اساسی داریم، بیانیه گام دوم داریم، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام و راهبردهایی را که رهبری مشخص می‌کنند داریم و بر اساس قاعده منطقی باید سیاست‌ها و راهبردهای ما در حوزه زنان و خانواده هم بر مبنای همین اسناد بالادستی باشد، اما در عمل می‌بینیم که اینگونه نیست.

مصداقی تر بفرمایید. از نگاه شما چه قوانین و راهبردهایی از سوی دولت و جریان‌های سیاسی مستقر در مجلس پیگیری می‌شود که با اسناد بالادستی کشور در حوزه زنان و خانواده مغایرت دارد؟

به طور نمونه عدالت جنسیتی که دولت در حال نوشتن شخص‌های آن است بر مبنای برنامه توسعه هزاره غرب است و چون این اسناد با اسناد بالادستی کشورمان در تعارض است دولت مأموریت‌ها را مطرح نمی‌کند. از سوی دیگر مجلس هم چون دارای جریان سیاسی همسو با دولت است و هر دو از یک مرکز دستور می‌گیرند و کار و مأموریتشان مشخص می‌شود، در همین مسیر قدم بر می‌دارد. به همین خاطر است که شما می‌بینید مسائل مطرح شده در حوزه زنان از سوی دولت و مجلس به طور عمده فضاسازی و مسائل نادر جامعه زنان است و علاوه بر همه اینها مسائلی که مطرح می‌شود خلاف قانون است.

چگونه مسائلی که در حوزه زنان مطرح می‌شود خلاف قانون است؟

به طور مثال ازدواج یک دختر ۹ ساله خلاف قانون است و ما در حال حاضر برای آن قانون داریم. این ناتوانی دولت است که نتوانسته یا نخواسته است این قوانین اجرایی شود و در حق زنان اجحاف صورت نگیرد. در مقابل این ناتوانی از اجرای قانون اما شاهد این هستیم که دولت دوباره قانون جدید می‌دهد یا کلید واژه درست می‌کند.

به بحث کلید واژه‌های ساختگی از سوی دولت و فعالان حوزه زنان و خانواده اشاره داشتید. آیا کلید واژه «کودک همسری» مطرح‌جه از سوی زنان نماینده مجلس و برخی چهره‌های دولتی

پشتوانه قانونی هم دارد؟

خیر ما اصلاً چنین واژه‌ای را در اسلام و در قانون جمهوری اسلامی ایران نداریم و کودک همسری خلاف قانون است. اینکه می‌بینیم این افراد به دنبال درست کردن کلیدواژه‌هایی همچون «کودک همسری» هستند برای این است که سن ازدواج را بر اساس اسناد غربی به ۱۸ سال برسانند و گرنه چه کسی می‌گوید افراد تا ۱۸ سالگی کودک‌کند؟ اما هدف بر این است که ۱۸ سالگی را سن کودکی قرار دهند. از آن بدتر مجلس دهم قانونی را تصویب کرد که مایه شرمساری است و زنان و دختران ایرانی را در عمل به ازای

اجازه اقامت دائم مردان غیر ایرانی فروختند. پس شما از منتقدان شیوه کنونی اصلاح قانون اعطای تابعیت به فرزندان زنان ایرانی و مردان غیر ایرانی هستید؟ استدلال شما برای اینکه معتقدید با این قانون در عمل زنان و دختران ایرانی به ازای اقامت دائم برای مردان غیر ایرانی فروخته می‌شوند، چیست؟

در همه جای دنیا وقتی می‌خواهند به فردی اقامت دائم بدهند باید از مراحل گوناگونی عبور کند و بررسی‌های مختلفی صورت بگیرد تا معلوم شود به وی اجازه اقامت دائم می‌دهند یا نه اما در مجلس دهم قانونی تصویب شد که طبق آن ما به تمام دنیا اعلام کردیم اگر می‌خواهید اجازه اقامت دائم در ایران را بگیرید کافی است تا با یک زن یا دختر ایرانی ازدواج شرعی داشته باشید؛ پیش از این ما برای ازدواج مرد غیر ایرانی با زن ایرانی قانون داشتیم و این قانون شرایطی را برای این ازدواج تعیین کرده بود و استعلامات مختلفی وجود داشت که مردان غیر ایرانی باید آنها را انجام می‌دادند و در نهایت دولت از زانی که با این مردان ازدواج می‌کنند حمایت می‌کرد اما در حال حاضر تمامی قوانین موجود در ارتباط با ازدواج ما مرد غیر ایرانی به ضرر زنان شده است.

در ازدواج موارد متعددی مطرح است. به طور مثال نفقه با مرد است یا اگر زن ایرانی با مرد غیر ایرانی ازدواج کند و از ایران برود و بخواهد دوباره به کشور بر گردد مورد حمایت قانون است اما در قانون جدید همه حمایت‌های قبلی از زنان را با آوردن کلمه «تحاح شرعی» از بین بردند و این مایه شرمندگی است و هیچ افتخاری ندارد. هیچ کجای دنیا به این راحتی به کسی اقامت نمی‌دهند.

به نظر می‌رسد که قانون جدید تابعیت به نوعی با همین بحث پر چالش «کودک همسری» هم که برخی از نمایندگان زن به آن انتقاد دارند در تضاد است؛ چرا که با منوط کردن اقامت دائم برای مردان غیر ایرانی به ازدواج شرعی در عمل فضا را بیش از پیش به سمت فروخته شدن دختر بچه‌های ایرانی در مناطق محروم به مردان غیر ایرانی‌ای که قصد گرفتن اقامت دائم دارند پیش می‌برد. نظر شما در این باره چیست؟

بله، همین طور است. تمامی حمایت‌های قانونی با این قانون از زنان و دختران ایرانی برداشته می‌شود. یکی از این حمایت‌ها هم همین است که دختران زیر سن بلوغ و رشد اجازه ازدواج ندارند اما با این قانون عملاً خانواده‌های فقیر و دارای مشکلات اقتصادی و فرهنگی ممکن است راضی شوند دختران خود را به ازای مبلغی پول به مردان غیر ایرانی که خواهان اقامت دائم در ایران هستند بفروشند. این قانون در عمل تمامی حمایت‌های قانونی در ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی را از بین برد.

این حمایت‌ها خیلی زیاد است. اگر یک زن ایرانی با یک مرد غیر



جریان‌های سیاسی به دنبال بهره‌برداری سیاسی از حوزه زنان هستند و به فکر مطالبات واقعی زنان و خانواده‌ها و رفع مشکلات آنها نیستند، یعنی مطالبات زنان و خانواده‌ها را پیگیری نمی‌کنند، بلکه هدفشان از طرح مباحث زنان توان افزایش جریان سیاسی خودشان است؛ به این معنا که مسائل زنان را مطرح می‌کنند تا جامعه تصور کند روی مطالبات زنان کار می‌شود، اما در عمل این موضوعات تنها برای این مطرح می‌شود تا از آن بهره‌برداری سیاسی شود و از این رهگذر آرای مردم جمع شود. وقتی دولت چنین مسیری را در پیش گرفته است و راهبرد دولت در حوزه زنان چنین چیزی است وقتی دولت و مجلس از یک حزب یا جریان سیاسی هستند، موضوع زنان در مجلس هم همین مسیر را طی می‌کند

ایرانی ازدواج کند و از ایران برود و تابعیتش هم به تبع تابعیت همسرش تغییر کند تمام دارایی‌های غیر منقولش را هم از دست می‌دهد و اگر در کشور مقصد تلاش دهد، راه می‌شود، در حالی که قبلاً دولت از این زنان حمایت می‌کرد و موظف بود آنها را به کشور برگرداند، اما با گنجاندن بحث نکاح شرعی همه چیز به هم ریخته است و تازه تصویب کنندگان این طرح به آن افتخار هم می‌کنند!

بحث تابعیت بچه‌هایی با مادر ایرانی و پدر غیر ایرانی گویا موضوعی حل نشده بود و طرح اصلاح قانون تابعیت هم برای همین کلید خورد، اینطور نیست؟

خیر، اصلاً اینطور نیست. هر بچه‌ای که به دنیا می‌آید طبق قانون قبلی تابعیت پدرش را دارد. حالا اگر این قانون به درستی اجرا نمی‌شد یا اشکالاتی وجود داشت می‌توانستند با آیین‌نامه‌هایی این اشکالات را رفع کنند و ما ماباری به قانون جدید نداشتیم.

یعنی شما با اعطای تابعیت ایرانی به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیر ایرانی مخالف هستید؟

من موافقم به بچه‌های مادران ایرانی تابعیت بدهند ولی با این قانون مخالفم. در واقع باید تکلیف بچه را مشخص کنند نه اینکه به پدرش هم امتیاز بدهند آن هم در شرایطی که ما پیش از این هم برای این قضیه قانون داشتیم. الان با این قانون اگر مردی خارجی زن و بچه‌ای بیاید و سه خطا هم انجام داده باشد، اول ورود غیر قانونی، دوم ازدواج غیر قانونی و سوم اقامت غیر قانونی در عمل طبق این قانون به چنین فردی جایزه هم داده می‌شود و به او اقامت دائم می‌دهند! به بیان دیگر از هر زاویه‌ای که به این قانون نگاه کنیم نکته مثبتی در آن نمی‌توان پیدا کرد.

اگر بخواهیم از زاویه‌ای دیگر عملکرد مجلس را در حوزه زنان و خانواده مورد بررسی قرار دهیم از این منظر که مجلس باید چه کارهایی در حوزه زنان و خانواده انجام می‌داد که انجام نداد و به تبع آن در حوزه زنان و خانواده از مجلس بازدهم چه انتظاراتی وجود دارد و حوزه زنان و خانواده از مجلس بعدی چه مطالباتی دارند، نظر شما چیست؟

جامعه زنان و خانواده ما تقویت و استحکام خانواده را می‌خواهد. ترویج ازدواج و پایین آمدن سن ازدواج مطالبات مهم حوزه زنان و خانواده است. هم اکنون ۱۴ سال از تصویب قانون تسهیل ازدواج جوانان می‌گذرد و دولت‌ها این قانون را اجرایی نکرده‌اند، مجلس هم نقش نظارتی خود را برای اجرای این قانون ایفا نکرده است. حداقل کاری که مجلس باید می‌کرد مسئله نظارت بر اجرای قوانین موجود در حوزه زنان و خانواده بود که این اتفاق نیفتاده است. اگر این نظارت انجام می‌شد در خلال آن با رصد خلأهای موجود قوانین تازه‌ای هم تدوین می‌شد، اما وقتی مجلس بر قوانین موجود نظارت نکرده است دیگر نمی‌توان انتظار داشت که قوانین تازه‌ای در این حوزه تدوین شود.

در بحث افزایش آمار کودک همسری با افزایش وام نظارت چطور؟ این موضوع ابتدا از سوی معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان مطرح شد اما خود آقای تندگویان حرفش را پس گرفت. با وجود این خانم سیاوشی ادعای افزایش چهار برابری کودک همسری با افزایش وام ازدواج را به ۹۰ برابر ارتقا داد! از نگاه شما آیا این ادعا قابل پذیرش است؟

متأسفانه در این دوره مجلس حرف‌ها و ادعاهای بدون سند و بدون پشتوانه کم نداشتیم. همه این اشکالات به این خاطر است که در حوزه زنان و خانواده نظارت وجود ندارد. نه مجلس بر کار دولت نظارت دارد و نه رسانه‌ها و تشکل‌های مدنی بر عملکرد مجلس و دولت نظارت می‌کنند، در حالی که باید نظارتی هدفمند و پیگیر در مقابل جریانی که در حوزه زنان هوچی‌گری دارد وجود داشته باشد و این نظارت باید از سوی دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمی و رسانه‌ها جدی گرفته شود.

نقش و جایگاه زنان در اقتصاد مقاومتی

با توجه به سهم زنان در جامعه از نظر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همواره به این نیمه اصلی جامعه از نگاه اقتصادی کمتر پرداخته شده است.

با عنایت به رهنمودهای سازنده مقام معظم رهبری در محورهای اقتصاد مقاومتی و ظرفیت‌های این‌فراپند در قطع وابستگی‌ها و ایجاد خودکفایی در ابعاد مختلف تولید و اقتصاد، زنان می‌توانند

جایگاه ارزشمندی در این زمینه کسب کنند و همدوش با مردان به قطع وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی همت گمارند. متأسفانه نخبگان علوم انسانی به ارزش و سهم زنان در اقتصاد مقاومتی کمتر پرداخته‌اند و هنوز دستورالعمل‌های کاربردی در این زمینه‌ها تدوین و اعلام نشده است. سهم زنان در تولید خانگی و صنایع دستی می‌تواند بسیار قابل توجه و سرمایه‌ساز باشد. دور کاری و اقدام به تولیدات خانگی اعم از صنایع دستی و سایر رشته‌ها و محصولات، ضمن بالا بردن درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی را نیز افزایش می‌دهد.

زنان به عنوان همسر و مادر توانایی ایفای رسالت‌های خود در خانه و جامعه را دارا هستند. صرفه‌جویی، ساده‌زیستی، جلوگیری از زیاده‌روی و چشم و همچشمی، به‌رهیز از تشریفات و اشراف‌دگی اصلی‌ترین مبنای زربیناری در اقتصاد خانه و جامعه است.

آموزش ساده‌زیستی به فرزندان و تکیه بر تولیدات داخلی و انتقال اینگونه آموزه‌ها به فرزندان اساس تربیت اقتصادی و آموزش‌های اولیه در اقتصاد مقاومتی است. اقدام به تولیدات خانگی چه در قالب فردی و چه در جایگاه تعاونی‌های محلی اعم از روستایی یا شهری می‌تواند گام‌های مؤثر و سودمندی در کاهش واردات و حتی قطع آنها باشد. در تهیه پوشاک و اقلام مرتبط با انتخاب محصولات داخلی و ارائه الگوهای موردپسند زنان می‌توانند در تنظیم نیازهای ثانویه پیشگام و پیشرو باشند. مدیریت اقتصادی خانه بر اساس توانایی مالی همسر یکی از اصلی‌ترین کلاس‌های اقتصاد مقاومتی است؛ چرا که مقاومت در خانه می‌تواند پایه و اساس مقاومت اجتماعی باشد. بعضی از بانوان به غلط تصور می‌کنند اگر زن بیرون از خانه مشغول کار نباشد حق او ضایع می‌شود و سهم اجتماعی او در نظر گرفته نمی‌شود، در حالی که تربیت مؤثر و مفید فرزندان و اداره خانه براساس توانایی‌های اقتصادی، ایفای نقش یک همسر و مادر مفیدترین حرکات و افکار در مدیریت اجتماعی و اقتصادی است. خرید نیازمندی‌ها براساس نیازهای واقعی و جلوگیری از تولید نیازهای کاذب یکی دیگر از گام‌های مؤثر در تحقق اقتصاد مقاومتی است که بانوان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نیروهای جامعه می‌توانند در این تحقق سهم والایی داشته باشند. تبدیل اقلام موجود و مصرف شده قابل بازیابی در خانه به اقلام و کالایی که مورد نیاز بوده و تهیه آن از توان اقتصادی خانه خارج است می‌تواند حرکت مؤثرتری در صرفه‌جویی و نگاه اقتصادی به زندگی باشد. در نهایت پرهیز از چشم و همچشمی و خرف‌فروشی، پاکدامنی و صداقت با همسر اساسی‌ترین ارکان رفتاری در اقتصاد خانه بوده است و حمایت فکری از مردان می‌تواند آنها را در راه حرکت به سوی خودکفایی حقیقی متحکم‌تر و استوارتر نماید. در اصل به عهده گرفتن نقش مدیر اقتصادی در خانه و راهگشایی برای رشد فکری و مهندسی اجتماعی مردان قدم‌های بسیار ارزشمند از سوی زنان در اقتصاد مقاومتی است.

***متخصص علوم رفتاری

جامعه‌شناسی حقوق زن

مطالعه جایگاه و نقش زن در تمدن‌ها و جوامعی که اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی‌شان بررسی می‌شود، روش و شیوه پذیرفته شده‌ای است که مورد تأیید حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان قرار دارد. ماهیت فراز فرود مقام و منزلت و شرایط اجتماعی و حقوقی زن در جامعه، بی‌شک در شکل‌گیری تمدن‌ها، تغییر و تحول دولت‌ها و ظهور و سقوط حکومت‌ها نقش

انکارناپذیر دارند. زن در ملاک و معیار سنجش بود یا نبود پآکی و نیک‌خواهی، وجود یا عدم وجود فساد و تباهی، اخلاق بهنجار یا پلشتی رفتار و پیشرفت یا پسرفت در تمامی جوامع بشری از آغاز تا امروز بوده است. زن هم به عنوان برجسته‌ترین و مؤثرترین عنصر و عامل ترقی و تکامل و هم به عنوان پایاترین و وحشتناک‌ترین عامل اضمحلال و سقوط اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی یک جامعه به شمار رفته است. رعایت یا عدم رعایت حقوق زن و نوع و ماهیت حضور او در جامعه، محک سنجش و برآورد میزان پیشرفتگی یا عقب‌ماندگی فرهنگی‌ها و تمدن‌های جهان در گذشته و حال است. در بحث جامعه‌شناسی حقوق زن، نیت آن است که با شناخت رابطه تاریخی شرائط اجتماعی تمدن‌ها با حقوق زن و خانواده و رابطه تحولات پرشتاب و سریع جامعه امروز با حقوق زن و خانواده، راه‌حل‌های کاربردی در چارچوب «نظام ارزش‌ساز اسلامی» علوی یافته‌شد و علل ناکامی جوامع اسلامی در استقرار نظام اسلامی و انطباق آن بر شرایط جامعه خود، تا حد امکان مطالعه و بررسی شود.

کتاب «جامعه‌شناسی حقوق زن» توسط زنده‌یاد دکتر محمدحسن بردبار پژوهش و نگارش شده است. این نوشتار حاصل سال‌ها کنکاش و بررسی موشکافانه روی جامعه‌شناسی حقوق زن است که توسط نگارنده گردآوری شده است. این کتاب در ۱۷ فصل تدوین شده است.

فصل اول، جامعه‌شناسی حقوق زن در دوران طبیعت‌سالاری است. فصل ۲ حقوق زن در نظام مالکیت‌سالاری را مورد بحث قرار می‌دهد، فصل ۳ نظام مالکیت‌سالاری در جوامع باستان (سومر)، فصل ۴ نظام مالکیت‌سالاری در جوامع باستان (مصر)، فصل ۵ نظام مالکیت‌سالار در جوامع باستان (بابل و آشور)، فصل ۶ حقوق زن در نظام مالکیت‌سالار جهان باستان (یونان باستان)، فصل ۷ حقوق زن در جوامع مالکیت‌سالار جهان باستان (روم) فصل ۸ حقوق زن در جوامع مالکیت‌سالار جهان باستان (هند)، فصل ۹ حقوق زن در جوامع مالکیت‌سالار جهان باستان (ایران باستان) را مورد واکاوی قرار می‌دهد. فصل ۱۰ به حقوق و تکالیف زن در جامعه پیش از صنعت‌مدگی فرهنگی‌ها و تمدن‌های جهان در گذشته و زن در جامعه صنعت‌سالار است. فصل ۱۲ هم اثر انقلاب صنعتی بر حقوق و تکالیف زنان را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل ۱۳ تحولات خانواده و ازدواج در نظام صنعت‌سالاری و فصل ۱۴ به شکل‌گیری نظام ارزش‌سالاری می‌پردازد. فصل ۱۵ حقوق و تکالیف زن در نظام ارزش‌سالاری است. فصل ۱۶ پذیرش نظام ارزش‌سالاری توسط مردم ایران است و در فصل آخر هم به نتیجه‌گیری و حقوق و تکالیف زن در عمل پرداخته شده است. این کتاب در ۳۸۰ صفحه در سال ۹۳ به بازار نشر عرضه شده است.